

# یا همه با هم پیروز می‌شویم یا تک تک شکست می‌خوریم از حسن بهگر

جسته و گریخته خبرهایی حاکی از مذاکره نمایندگان احزاب کرد با نمایندگان جمهوری اسلامی در نروژ به دست ما رسیده. مذاکره در ذات خود بد نیست و به نظرم با وجود پراکندگی احزاب کرد، حکومت در موقعیت قوی نیست و برای همین نیازمند مذاکره است. منتها کلید موفقیت شفافیت با اعضای حزب و مردم ایران است تا مردم بدانند در مذاکرات به خواست های آنها بی اعتنایی نشده و نتایج کار به نفع شخصی و گروهی مصادره نگردیده است.



ابراهیم علیزاده، دبیر سازمان کردستان حزب کمونیست ایران در دو گفت‌وگوی تلویزیونی گفته که «در دیدار با نمایندگان سازمان میانجی، پیش‌شرط‌هایی برای گفت‌وگو مطرح شده است. او یکی از پیش‌شرط‌ها را پایان دادن به سرکوب و زندانی کردن فعالان سیاسی و مدنی در کردستان و آزادی فعالیت نهادهای صنفی و سیاسی عنوان کرد. شرط دوم هم به گفته او، برطرف شدن موانع بازگشت فعالان سیاسی و مدنی تحت تعقیب به ایران بود.»<sup>1</sup>

عمار گلی، سردبیر «روژ» در این باره می‌گوید: «مذاکره لزوماً خواست جمهوری اسلامی نیست. حکومت دنبال آن است که در یک دور مذاکره، خوانش احزاب کردستانی از وضعیت سیاسی ایران و شرایط منطقه را به دست بیاورد. مثلاً می‌خواهد بداند که مواضع این احزاب در صورت حمله نظامی خارجی به ایران چیست، و آیا این احزاب در حمله خارجی مشارکت می‌کنند.»<sup>(2)</sup>

در همین رابطه باید طرح ناگهانی فدرالیسم توسط محمد خاتمی را هم در نظر گرفت که بلافاصله واکنش مثبت عبدالله مهدی از حزب کومله کردستان را داشت که گفت: به عقیده من اعتراف به یک واقعیت بنیادی اجتماعی و فرهنگی در ایران است و به عقیده من، حقیقتی را در مورد جامعه ایران و تنوعات اتنیکی [و قومیتی] آن اشاره کردند.<sup>(3)</sup>

به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی مانند همیشه در دم آخر برای درمان مشکلات خود دنبال نسخه‌های موقت رفع دردسر است. این حکومت که سال‌ها با تبعیضات مذهبی و عقیدتی از کردها کشتار کرده است، در این هنگام که خطر حمله‌ی خارجی موجود است می‌خواهد به نحوی گروه‌های مسلح کرد را خنثا کند تا از جانب آنها خطری متوجهش نشود. رژیم‌هایی که در طی این سال‌ها هیچ اقدام عمرانی و اصلاحی در کردستان نکرده و همواره از آنان کشتار نموده تا آنجا که بسیاری از آنان برای امرار معاش به کولبری روی آورده‌اند که هر از گاهی سینه‌شان نیز آماج گلوله سپاه پاسداران نیز قرار می‌گیرد، چه دارد که به آنان عرضه کند؟ کردها تنها نیستند، کدام گروه از مردم از این استبداد دینی در امان بوده و مصون مانده است؟ همه‌ی مردم از تبعیضات گوناگون و فشار استبداد دینی و سیاسی و اجتماعی در رنج و عذابند. در چنین جهنمی که جمهوری اسلامی ساخته است، محمد خاتمی به میدان پریده و وعده فدرالیسم می‌دهد و البته بلافاصله نیز طرف مقابل بدون آنکه بالا و پایین کند جواب مثبت می‌دهد.

بگذریم که این وعده از روی نادانی و ناچاری داده شده و پاسخ خود را از جانب مردم دریافت کرده. کیست که نداند نداشتن پشتیبانی مردمی و خطر حمله‌ی خارجی رژیم را وادار به دادن این وعده کرده است. اصلاً هم معلوم نیست که این وعده، آن هم از جانب محمد خاتمی، تحقق یابد چون این دسته بازیچه اصول‌گرایان هستند و به حساب نمی‌آیند و همواره نیز سر بزنگاه از خواست‌هایشان عقب‌نشینی کرده‌اند. یادتان باشد جامعه‌ی مدنی را که چند سال در بوق آن دمیدند و هیاهو کردند، چطور مشعشانه رها کردند و عقب‌نشستند و تبدیل به مدینه‌النبی کردند. این وعده‌ها برای ماندن حکومت است.

گذشته از اینها فدرالیسم چاره‌ی درد کردستان نخواهد بود بلکه بر مشکلات و تنش‌های قومی در منطقه خواهد افزود. کردستان مانند همه‌ی ایران نیازمند آزادی و دموکراسی است، نیازمند عمران و آبادی است نیازمند راه‌اندازی کارخانه‌هاست تا مشکلات معیشتی و اقتصادی را حل کند.

مشکل در دو طرف ماجراست. جمهوری اسلامی و خاتمی و امثالهم به دموکراسی باور ندارند. خاتمی بارها علناً گفته که به دموکراسی باور ندارد و از جانب مردم هم بیجا و سرخود داد زده که مردم دموکراسی نمی‌خواهند. عمده‌ی احزاب کرد نیز کمونیست هستند و در منطقه‌ای که اثری از کارخانه و کارگر نیست هوادار کارگر هستند و صحبت از ژن‌کرد و قوم‌کرد و طایفه می‌کنند و اکثر سران این احزاب

هم خان زاده هستند. آنچه که جمع این اضداد را بهم پیوند می زند لقلقه ی فدرالیسم است. در حالیکه فدرالیسم نه دموکراسی می آورد نه آزادی و آبادی. اولین کاری که می کند یک گروه از مردم را به عنوان کرد از دیگران جدا می کند و خود را به دیگران و آنها را به خود بیگانه می سازد. دوم هم با این رهبران و این احزاب، هر چه بیاورد، دموکراسی نخواهد آورد.

گویا پیش تر هم مذاکراتی بین احزاب کرد و جمهوری اسلامی انجام پذیرفته، ولی به نظر میاید پیشنهاد فدرالیسم خاتمی بازار مذاکره را گرم تر کرده باشد. حال در این میان سه راه پیش پای احزاب کرد قرار دارد. 1- به مذاکره با جمهوری اسلامی دل ببندند و به وعده های او دلخوش باشند و مثل همیشه فریب بخورند چنانکه در مذاکرات قاسملو اتفاق افتاد و به تراژدی ترور او ختم شد. 2- با آمریکا و اسرائیل همکاری کنند و تصور کنند که می توانند بر ویرانه های ایران، کردستان مستقل خود را بنیاد خواهند نهاد که سرنوشت غم انگیزی همچون یوگسلاوی برای خود و دیگران رقم خواهند زد. 3- یا اینکه خواست های خود را به خواست های همه مردم گره بزنند و دموکراسی و آزادی برای همه ی ایران بخواهند. در این صورت هم پشتیبانی مردم را خواهند داشت و هم به خواست های منطقه ای خود خواهند رسید.

حقوق برابر شهروندی و کم کردن قدرت دولت مرکزی خواست ما و همه ی گروه های مترقی است. در دموکراسی است که همه ی مردم فراتر از چندگانگی و تنوع قومی قرار میگیرند. بیشترین مشکل کردها و سایر اقوام در آزاد نبودن مشارکت سیاسی آنها در کشور و سیاست داخلی آنها نهفته است که در یک حکومت لیبرال دموکرات بخوبی قابل حل است. کردستان به عنوان یک پایگاه کرد با آزادی عمل در مناطق داخلی و مشارکت سیاسی در چارچوب ایران می تواند به خواست های بحق خود برسد، بدون آنکه بهانه ای به دست بیگانگان تجزیه طلب بدهد. در این زمینه، تجربه اقلیم کردستان آموزنده است و دیدیم که ثمری نداشت.

تجلیل از 30 نفر از مشاهیر کرد در سنندج کار بجایی است ولی کافی نیست باید به همه مشاهیر دیگر اقوام صرفنظر از دین و عقیده شان احترام گذاشته شود. این در حالی است که خانه ی نویسندگان و مشاهیر ما خراب می شود و حتا سنگ قبرشان را می شکنند.

رژیم جمهوری اسلامی تک تک گروه های مخالف خود را از پا در آورد و

امروز می خواهد با طرفندهایی این چنینی تک تک با آنها مذاکره کند و کمترین امتیاز را بدهد و معلوم نیست این امتیاز هم چقدر دوام داشته باشد و حکومت کی نابودشان کند. با این شیوه ی حکومت آشناییم که پیش از انتخابات حجاب ها کمی آزاد می شود و پس از انتخابات بگیر و ببند شروع می شود. این تجلیل همزمان با شلاق زدن مردم درکوچه و بازار و تعرض به زنان بعنوان بدحجابی در سراسر کشور جریان دارد. فریب ملایان را نباید خورد. فقط شما نیستید که بعنوان اقلیت نیازمند آزادی هستید. به جز طبقه حاکم همه نیازمند آند.

هم اکنون نیمی از جمعیت ما یعنی زنان تبدیل به اقلیت شده اند. اگر رژیم می خواهد عقب بنشیند باید برای همه عقب بنشیند. برای این کار، گروه های مختلف هم باید برای همه پیکار کنند و نه فقط برای خود. آن وقت شما فقط برای یک گروه نمیجنگید، فقط برای کردها پیکار نمی کنید بلکه برای همه مردم می جنگید و همه مردم به پشتیبانی شما برمیخیزند. شاید این فرصتی تاریخی برای گروه های کرد باشد تا به رسالت تاریخی خود عمل نمایند. البته نیک می دانم امروز قاسملو و به ویژه زنده یاد شرفکندی زنده نیستند. اگر زنده بودند آنها قابلیت کشیدن چنین رسالت تاریخی را داشتند. ولی همینهایی که هستند باید بدانند که کلید پیروزی در اتحاد ایرانیان با یکدیگر برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. وقتی این شد راه برای اصلاح همه چیز باز خواهد شد. تا این نشده، هر چه به شما بدهند یکشنبه پس گرفتنی است.

(1) رادیو زمانه

(2) همانجا

(3) رادیو فردا

<https://www.radiofarda.com/a/b11-viewpoints-critism-of-former-president-khatami-on-federalism/29957118.html>

حسن بهگر

برگرفته از ایران‌لیبرال